

فقدی کوتاه بر سه کتاب خواندنی

در سالهای اخیر، هر وقت کار پژوهش که مهمترین دستمایه زندگیم بوده و هست، فرصت کوتاهی به من داده است، آن را وقف کتابهای بالارزشی کرده‌ام که تازه انتشار یافته‌اند. چون خواندن این کتابها افزون بر بهره‌وری از منابع جدید فرهنگ «ادبیات» و سمبله، آشنایی با تحول سطح فرهنگ و شناخت جامعه ما نیز هست. انتشار کتابهایی در سطح بالا، نشان می‌دهد که سطح فکر خوانندگان ما چقدر ترقی کرده است. از این مقدمه بگذریم و به اصل مطلب که معرفی کتابهاست بپردازیم.

دعای برای آرمن

این داستان اثر دوست ارجمندم دکتر ابراهیم یونسی است. دکتر یونسی معروف‌تر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد. توانایش در ترجمه کتابهای مفید، به حدی است که ده‌ها شاهکار و اثر معروف جهانی را به فارسی سلیس و روان برگردانده که حتی ذکر نام آنها فهرست‌وار از گنجایش این مختصر خارج است. هنر داستان‌نویسی او که بهترین راهنما و آموزگار برای داستان‌نویسان جوان است بارها تجدید چاپ شده است. دکتر یونسی با نگارش داستانهای همچون گورستان غریبان و...

نه تنها توانایی خود را در این زمینه به اثبات رسانده بلکه در شمار بلندمرتبه‌ترین

از این رو نیازی ندارم که نقد داستان دعا برای آرمن او را از لحاظ هنر داستان‌نویسی آغاز کنم. چون، «آن را که عیان است چه حاجت به بیان است». آنچه باقی می‌ماند محتوای داستانی کتاب است و این درست آن ویژگی است که این کتاب را از داستانهای دیگر این نویسنده متمایز می‌سازد و به آن وزن و اعتبار اجتماعی - سیاسی خاصی می‌بخشد. موضوع اصلی آن شرح فجایعی است که ترکهای عثمانی در اواسط نخستین جنگ جهانی بر سر ملت ارمنی ساکن این کشور آوردند و از قتل عام زنان و کودکان و نوباوگان و سالخوردهگان این قوم دریغ نکردند. سربازان ینیچری ددمنشی و خون‌آشامی را به جایی رساندند که زنان، کودکان، سالخوردهگان، و بیماران ارمنی از هول جان به کوه و دشت پناه بردند، از شهر و دیار و خانه و کاشانه خود آواره شدند و به کشورهای مجاور به ویژه ایران پناهنده شدند. این سربازان سنگدل و افسران جنایتکار آنها شهرکها و روستاهای ارمنی‌نشین را به توپ می‌بستند و با خاک یکسان می‌ساختند و حتی کلبه‌هایشان را آتش می‌زدند و به زمین سوخته مبدل می‌کردند. تلفات این قتل عام فجیع را که جز در زمان حمله مغولان و تاتاران و کشتارهای چنگیز و تیمور و آتیلا نظیر نداشته است و یک نسل‌کشی به معنای وسیع آن بوده است از چند صد هزار تا چند میلیون ذکر کرده‌اند. و تأسفبارتر اینکه این جنایات کم‌نظیر را به نام اسلام، دین برابری و برادری همه اقوام و ملت‌ها، انجام می‌دادند.

افزون بر این، داستان دعا برای آرمن، رفتار ایرانیها، به ویژه کردها را نسبت به این قوم مصیبت‌زده نشان می‌دهد که درست نقطه مقابل ترکان عثمانی است. ایرانیها، به سنت میهمان‌نوازی دیرین خود، آغوش محبت‌آمیز خود را به روی این آوارگان باز می‌کنند، آنان را پناه می‌دهند، کودکانشان را همچون فرزندان خود می‌پرورند و آموزش می‌دهند و به سر و سامان می‌رسانند. نمایاندن رفتار انسانی و برادرانه کردان ایرانی در تقابل با ددمنشی‌ها و وحشیگریهای ترکها مفهوم اصلی این داستان زیبا و خواندنی است.

دعا برای آرمن یک اهمیت دیگر هم دارد. چون تا آنجا که من اطلاع دارم نخستین داستانی است که درباره این نسل‌کشی تاریخی، آن هم از جانب دولتی که خود را متمدن و اروپایی می‌شمارد، نوشته شده است، داستانی که جای آن واقعاً در ادبیات ما خالی بود. من امیدوارم که به زودی به زبانهای دیگر و به ویژه به ارمنی و ترکی اسلامبولی ترجمه و منتشر شود.

خاطرات اردشیر آوانسیان

این کتاب که نخست نه سال پیش در آلمان چاپ شد و دو سال پیش در ایران انتشار یافته و

نایاب شده بود به تازگی به کوشش آقای علی دهباشی به گونه‌ای تکمیل یافته منتشر گردیده است. درباره اصل کتاب همین بس که نویسنده آن از برجسته‌ترین رهبران حزب توده بوده و از پانزده سالگی تا آخرین دم زندگی خویش به مارکسیسم - لنینیسم، ایمان و اعتقادی خلل‌ناپذیر داشته است. این کتاب خاطرات تمام دوران زندگی او نیست بلکه یادبودهای دوره‌ای است که او به عنوان یکی از مهمترین رهبران حزب توده در سیاست کشور ما نقش مهمی داشته است یعنی از بهمن ماه ۱۳۲۰ که او از تبعید به جزایر جنوب ایران بازگشت تا آذر ۱۳۲۵ که «خطر لیننج (قطعه قطعه شدن) او را تهدید می‌کرد» و از ایران به شوروی سابق گریخت. بنابراین فاقد دو دوره دیگر از زندگی سیاسی اوست که خاطرات آن دوره‌هایش نیز اگر می‌بود می‌توانست از نظر تاریخی مفید و مؤثر باشد. این دو دوره یکی دوران جوانیش است که در حزب کمونیست ایران و اتحادیه کارگران فعالیت می‌کرده، در مدرسه کوتو (دانشگاه زحمتکشان شرق) درس می‌خوانده و در زندان با پلیس می‌جنگیده است. دیگری دوران مهاجرت و پناهندگی او به شوروی است که قریب پنجاه سال (از ۱۳۲۵ تا ۱۳۷۵) طول کشیده است.

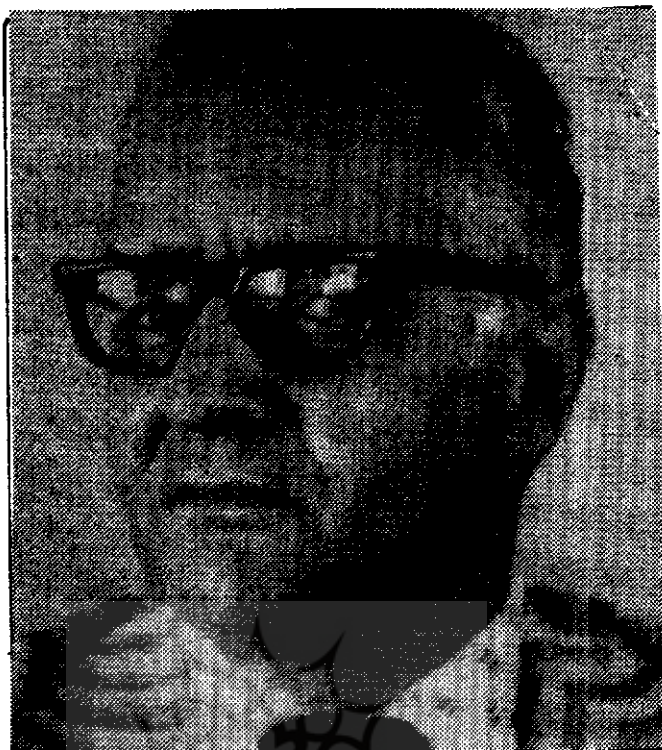
کتاب حاضر درباره دوران جوانی اردشیر با افزودن نوشته‌ای از آقای بابک امیرخسروی و چهار مقاله از مجله دنیا تا حدی این نقیصه را رفع کرده است. ولی افسوس که در مورد دوران دوم کوچکترین اثری از خود اردشیر یا دیگران درباره او در دست نیست.

۳۱۴

مزیت دیگر این چاپ جدید افزودن اظهار نظرهای چند تن از رهبران حزب توده و هم‌زمان اردشیر درباره اوست. اما خود خاطرات که به زبانی ساده و بی‌پیرایه در طول چند سال (۱۹۶۷ تا ۱۹۷۵) نوشته شده است این حسن را دارد که برخلاف اغلب خاطرات سیاستمداران هم‌زمان هم حزب یا اردشیر در نهایت صداقت نوشته شده و نکوشیده است چیزی و عملی را چه مثبت و چه منفی از نظر خوانندگان پنهان سازد. البته این بدان معنا نیست که آنچه در این خاطرات آمده است حقیقت کامل و واقعیت مطلق است. در این کتاب داوریهایی آمده که بطلان آن آشکار است و واقعیاتی ذکر شده که قابل تردید است. منظور من از صداقت این است که اردشیر هنگامی که آنها را می‌نوشته به آنها ایمان داشته و آنها را صد در صد مسلم می‌پنداشته است. نیت او جز بیان و نگارش حقایق و واقعیتهای چیزی نبوده است و این صراحت و صداقت یکی از برجسته‌ترین صفات اردشیر و مورد تأیید همه دوستان و حتی دشمنان او بود. یادش به خیر باد.

۳- از کردستان عراق تا آنسوی رود ارس

این کتاب که به عنوان فرعی آن «راه‌پیمائی تاریخی ملامصطفی بارزانی، ۱۳۳۶ است» یکی از بهترین کتابهای تاریخی است که در سالهای اخیر انتشار یافته است. نویسنده توانای آن آقای



مرتضی زریخت به راستی یک نمونه بسیار ارزنده از پژوهش در تاریخ کشور ما ارائه داده است. حتی می‌توان آن را همچون الگویی برای پژوهشگران جوانی که در این راه گام نهاده‌اند یا می‌خواهند بنهند، معرفی کرد.

موضوع کتاب به اختصار این است که پس از شکست فرقه‌های دموکرات آذربایجان و کردستان و متلاشی شدن آنها، ایل بارزانی که به قاضی محمد و دولت خودمختار کردستان کمک کرده بود می‌تواند خود را دست نخورده نگاه دارد و به کوه‌های مرتفع نازدار داغ در مرز ایران و ترکیه پناه برد. اما هر سه دولت ایران، عراق و ترکیه تصمیم می‌گیرند آنها را محاصره و نابود کنند. دولت ایران چندین واحد موتوریزه خود را به آذربایجان غربی و کردستان گسیل می‌دارد تا با کمک ارتشهای ترکیه و عراق این عملیات را انجام دهند. در عین حال عده‌ای از خانها و متنفذین محلی را بسیج می‌کنند تا علیه بارزانیها خبرچینی و خرابکاری کنند. اضافه کنیم که رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش که پس از پیروزی بر فرقه دموکرات داعیه‌ها در سر داشت، می‌خواست به هر قیمت با سرکوب بارزانیها قدرت فرماندهی و رزمی خود را نشان دهد. شگفتا که تمام تلاشها و کوششها و مخارج سنگینی که سه دولت ایران، ترکیه و عراق به کار بردند نتوانست مانع راه‌پیمایی معجزه‌آسای ایل رزمجو گردد و آنها توانستند در عرض سه ماه از میان انبوه دشمن راه خود را بگشایند و صدها کیلومتر راه صعب‌العبور را به پیمایند و خود را از مهلکه نجات دهند.

چگونه این حماسه تاریخی انجام گرفت و راز پیروزی یک ایل کرد با دست خالی بر ارتش سه نیرومندترین کشور خاورمیانه چه بود؟ این موضوعی است که نویسنده توانای کتاب با پژوهش نمونه‌وار خود روشن ساخته است.

نویسنده که خود چند ماه جزو همراهان بارزانی بود به سادگی می‌توانست خاطرات خود را با حاشیه رفتن و افزودن حوادث دیگری که در آنها شرکت داشته است، به صورت کتابی خواندنی و جالب در آورد، اما به جای آن اصل اساسی پژوهش یعنی محدود کردن خود به چارچوب مورد پژوهش را پیش گرفته و گرد آوردن اسناد رسمی، مشاهدات گواهان عینی، توجه به محیط و شرایط طبیعی عملیات و مهمتر از همه به دور ماندن از هرگونه پیشداوری و حدس و گمانهای خصوصی و به ویژه طرد هرگونه داوری یکجانبه و مغرضانه را راهنمای خود قرار داده و با تکیه بر روی آنها به نتیجه‌گیری نشست است.

گرد آوردن ۱۴ سند محرمانه نظامی و گزارش هیئتهای تحقیق که هر کدام شامل نظرهای عده زیادی از کارشناسان است کار دشواری است که نویسنده انجام داده و متن کامل آنها را ضمیمه پژوهش خود کرده است. افزون بر این از مشاهدات خود و همراهان دیگر ملامصطفی نیز بهره برده است. آنگاه با اتکاء بر تمام این مدارک تاریخچه راه پیمائی را روز به روز از آغاز تا انتها شرح داده است. نقشه جغرافیایی دقیق راه پیمایی که ضمیمه کتاب است ارزش پژوهشی این اثر را به عنوان یک الگو به حد کمال می‌رساند.